

ترس عنکبوتی و ادبیات کودکان

یاشا محمدی رفیع



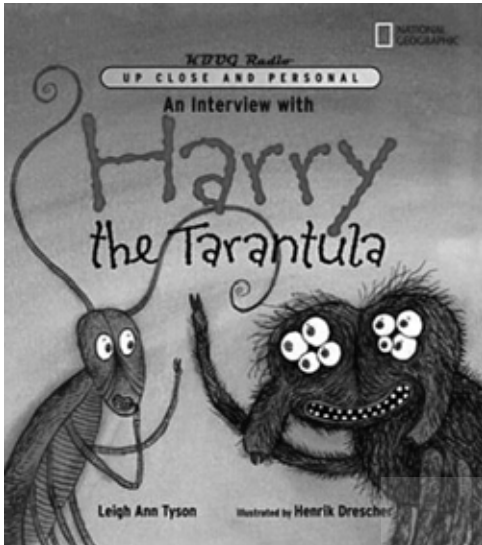
صدای جیغی دهشت آور، مادر را از جا پراند. صدا از سمت اتاق دختر نوجوانش بود. عرق سردی بر تنش نشست. قلبش چنان میزد که نزدیک بود از کار بیفتد. به سوی اتاق دختر دوید و شتاب زده در را باز کرد. دختر با چهره‌ای رنگ پریده و دست و پای لرزان روی تخت خوابش ایستاده بود. از فکر مادر گذشت که شاید دخترش جن دیده است. به طرفش رفت و با لکنت زبان پرسید: «چه شده؟» دختر گوشه اتاق را نشان داد که در آن‌جا عنکبوتی چاق و سیاه لمیده بود. با دیدن این صحنه، جیغ مادر نیز به هوا برخاست!

نمایش فوق الذکر در بسیاری از منازل و مواقع قابل مشاهده است. بسیاری از کودکان، نوجوانان، جوانان و بزرگسالان دچار این بیماری‌اند: آن‌ها عنکبوت ترس هستند. آراکنوفوبیا (Arachnophobia) عنوانی است که متخصصان برای توصیف ترس غیر طبیعی افراد در برابر عنکبوت مورد استفاده قرار می‌دهند. می‌توان آراکنوفوبیا را در زمره بیماری‌های روانی قرار داد که در افراد مبتلا شدت و ضعف دارد، در موارد حاد، دیدن یک عنکبوت نه چندان بزرگ می‌تواند شخص را تا سرحد مرگ بترساند، قدرت هر نوع عکس‌العمل را از او بگیرند و یا او را وادار به انجام کارهای نامعقول وادارد. در بعضی مواقع نیز اشخاص عنکبوت ترس ممکن است در حضور همسالان خود، در شرایط برخورد با عنکبوت قرار گیرند و علاوه بر ترس، دچار حس تحقیر بر اثر برخورد دیگران نیز شوند که این امر، به مراتب در بین کودکان عمیق‌تر و متداول‌تر است. کودکان عنکبوت ترس، به دلیل داشتن تخیل قوی و در اختیار داشتن اوقات فراغت طولانی، این ترس را همواره در وجود خود تقویت می‌کنند و نتیجه آن، به صورت ایجاد کابوس و یا کم خوابی، ترس از حضور در مکان‌هایی نظیر زیر زمین، باغچه، باغ و یا مناطق طبیعی بروز می‌کند. مطابق آمارهای ارائه شده (توسط سایت EARTH LIFE)، فقط در کشور انگلستان ۵۰ درصد از خانم‌ها و ۱۰ درصد از آقایان به درجاتی متفاوت از عنکبوت ترسی مبتلا هستند. این آمار نشان می‌دهد که بایستی با عنکبوت ترسی با جدیت برخورد کنیم، آراکنوفوبیا فقط یک اصطلاح علمی تشریفاتی نیست، حتی شما هم ممکن است به این بیماری مبتلا باشید!

به نظر متخصصان در ۹۵ درصد موارد، این بیماری نتیجه توصیف و برخورد‌های اولیه شخص با عنکبوت در دوران خردسالی است. بسیاری از این افراد، در بزرگسالی نمی‌توانند دلایل ترس بیمارگونه خود را از عنکبوت به یاد آورند. آموزه‌ها و تأثیرات مخرب دوران کودکی، در ناخودآگاه آنان حک شده است و به راحتی قابل درمان نیست. معمولاً برای درمان قطعی این بیماری نیاز است که یک روان‌شناس زبده، به معالجه بیمار در یک بازه زمانی نسبتاً طولانی اقدام کند.

علاوه بر تأثیر خانواده (عکس‌العمل‌های پدر، مادر، خواهر یا برادر) و جامعه (عکس‌العمل هم سالان) ادبیات کودکان نیز نقشی بسیار مهم و کلیدی در این امر عهده دار است که در بسیاری موارد، توسط نویسندگان و یا شاعران کودک مورد توجه لازم قرار نمی‌

گیرد و همین امر، آثار مخربی در ذهن حساس و نقش پذیر کودکان پدید می‌آورد که به راحتی قابل جبران نیست. می‌گویند پدری قصد داشت که اثر بدزبانی را به پسرش بیاموزد. او به پسر گفت چند میخ به دیوار بکوبد و سپس این میخ‌ها را از دیوار بکند. پسر به گفته پدر عمل کرد. پدر به او گفت: به دیوار نگاه کن! درست است که میخ‌ها را از دیوار خارج کردی، اما اثر آن برای همیشه بر دیوار حک شده است. حکایت بدزبانی با دیگران نیز شبیه این است، پس از گفتن حرفی ناصواب، حتی اگر پوزش نیز پذیرفته شود،



اثر آن برای همیشه در قلب و روح آن شخص باقی می‌ماند. خالقان آثار مرتبط با کودکان، بایستی این نکته را مد نظر و به نوشته‌های خود توجه کافی داشته باشند و در نوشته‌های خود مراقبت نمایند تا خدای نکرده، روح و روان کودکی بیمار و آزرده نگردد. البته این قضیه فقط منحصر به آراکنو فوبیا نیست. بیماری‌های روانی دیگری هم چون CLAUSTROPHOBIA (کلاستر فوبیا یا هراس از مکان‌های بسته و محصور)، ترس غیر طبیعی از مار، موش و یا سوسک نیز مواردی هستند که ادبیات داستانی کودکان، در ابتلا و یا پیشگیری کودکان به آن‌ها بسیار مؤثر عمل می‌کند.

اما آثار حوزه ادبیات کودکان (داستان، شعر و یا کتب آموزشی) از چند نظر در این زمینه قابل ارزیابی‌اند که به ۳ مورد اشاره می‌کنم:

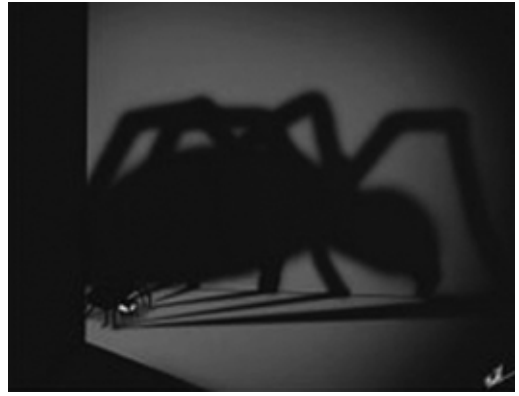
۱- در شایع‌ترین بدبینی و کج‌اندیشی، بسیاری از نویسندگان ادبیات کودک، عنکبوت را موجودی سمی وصف می‌کنند که قادر است قربانی خود را با سمی مهلک مسموم کرده و از پای درآورد که این دیدی غیرعلمی و نامعتبر است. در سال ۱۹۹۸ میلادی، انتشارات کیستون (واقع در مینه سوتای آمریکا)، کتابی به نام رطیل‌ها را به چاپ رساند. این کتاب از سری کتب حیوانات خطرناک، برای استفاده نوجوانان تهیه شده بود و همین امر، نشان بارزی بر جهل نویسنده و بی‌توجهی مسئولان انتشارات کیستون است؛ زیرا به هیچ عنوان نمی‌توان رطیل را در زمره حیوانات خطرناک طبقه بندی کرد. به جرأت می‌توان گفت که سگ‌های تربیت شده خانگی به مراتب از بزرگ‌ترین رطیل‌های

موجود در طبیعت بکر، خطرناک‌ترند. این حرف بر مبنای اسنادی است که از حمله سگ‌های خانگی به انسان‌ها گزارش شده است. نویسنده کوشیده است تا تصورات ذهنی خود در را مورد رطیل که بر اثر دیدن چند فیلم تخیلی سطح پایین شکل گرفته است، به مخاطبان کودک و نوجوان تلقین کند. نوجوانی که این کتاب را مطالعه می‌کند، دیگر نمی‌توان نظر او را به رطیل و یا عنکبوت تغییر داد. رطیل در دید او هیولایی خونخوار و مرگ آفرین می‌شود. جالب است بدانید که ارقام و آمار ارائه شده در صفحات ۴، ۵، ۷، ۱۱، ۱۵ و ... کاملاً اغراق آمیز و نادرست است (این امر توسط دکتر رابرت گیل برین در مقاله‌ای ذکر شده). درست است که رطیل خطرناک هم وجود دارد، اما نسبت آن به تعداد رطیل‌های بی‌ضرر، بسیار کم و ناچیز است، ممکن است شخصی به سل مبتلا باشد. در آن صورت، آیا شما می‌گویید که کلاً آدم‌ها خطرناک هستند؟ بله، عنکبوت‌های زهردار نیز وجود دارند، اما میزان کشندگی سم آن‌ها آن گونه که اغراق می‌شود، نیست. به عنوان مثال، در قاره اروپا میزان قدرت سم عنکبوت‌های سمی، به اندازه نیش یک زنبور ارزیابی شده است (مقاله دکتر ویلیام پک در مورد رطیل‌ها و عنکبوت‌ها). زهر یک یا دو گونه از عنکبوت‌ها نیز می‌تواند باعث مرگ انسان شود، البته نه به این حالت که هر کس گزیده شد، از بین می‌رود. آمار دقیقی در دسترس نیست، اما گفته می‌شود از هر ۵۰ یا ۶۰ مورد گزش این عنکبوت‌های سمی، یک مورد به مرگ منتهی می‌شود. این گونه‌ها در نقاطی خاص و دورافتاده (همانند بعضی مناطق جنگلی آمریکای جنوبی) زندگی می‌کنند و ایجاد ترس در مورد آن‌ها، همانند این است که بگوییم چون نیش یک نوع پشه باعث بیماری ورم مغزی می‌شود پس از پشه باید ترسید و دوری کرد. این امر جز این که باعث آزار جسمی و روحی شخص می‌شود، اثر دیگری ندارد.

۲- به غیر از سمی بودن عنکبوت‌ها، در بسیاری از آثار ادبیات کودکان، از عنکبوت به عنوان موجودی شرور بدجنس و بدنهاد یاد می‌شود.

برای یک نویسنده در هر سطح و گرایش، یکی از مهم‌ترین عوامل موفقیت، بی‌طرفی و سعی در کسب حقیقت امر است، فراموش نکنید؛ بی‌طرفی و کسب حقیقت، عنکبوت نیز موجودی آفریده خدا و حلقه‌ای بسیار مهم در زنجیره طبیعت است. عنکبوت و رطیل با تغذیه





از موجوداتی نظیر حشرات، سوسک‌ها و ... تعادل اکوسیستم‌ها را حفظ می‌کنند، در مبارزه با آفات، در بسیاری از کشورهای پیشرفته عنکبوت‌ها جای سموم شیمیایی را گرفته‌اند. عنکبوت موجودی بسیار مقاوم و سازگار است. بد نیست بدانید از نظر بعضی محققان، مقاوم‌ترین موجود زنده در برابر تشعشعات رادیو اکتیو عنکبوت است و چه بسا که در آینده، راه درمان بسیاری از بیماری‌های مرتبط با تشعشعات هسته‌ای، از طریق مطالعه دقیق ساختار بدنی عنکبوت به دست آید. پس چرا باید شخصیت عنکبوت در کتب داستانی مرتبط با کودکان و نوجوانان، این گونه تیره و به دور از حقیقت باشد؟ این گونه تصویر سازی از یک موجود مفید طبیعت، نوعی دروغ گویی و جعل واقعیت و خود در عالم ادبیات، گناهی است بزرگ و نابخشودنی.

البته شاید کمی از موضوع بحث دور شوم، ولی لازم می‌دانم یادآوری کنم به عنوان یک انسان وظیفه ما تربیت انسان‌هایی عاشق پیشه است، انسان‌هایی که عاشق خدا، هم نوع‌شان، موجودات زنده و محیط زیست باشند. ایجاد هرگونه پیش زمینه ذهنی مخدوش و نادرست در مورد هر موجود زنده، امری ناروا و ناپسند است. به جای ایجاد ترس و وحشت، بهتر نیست عشق و دوستی را ترویج کنیم؟ علاوه بر عنکبوت‌ها، گرگ‌ها نیز به این درد ادیبانی مبتلا هستند! گرگ بلا، گرگ تنبل، گرگ درنده، گرگ خونخوار و... از زمانی که خواندن را آغاز کردیم، این‌ها عناوینی بود که برایم گرگ را توصیف می‌کرد، اما اخیراً در یکی از سایت‌ها شعری در رابطه با گرگ دیدم که مرا عمیقاً متأثر نمود. ترجمه‌ای از آن بدین گونه است:

«از دور دست صدای زوزه گرگی به گوش می‌رسد.

مردان خسته از این زوزه می‌هراسند، اما آن‌ها واقعیت را نمی‌دانند.

شاید این زوزه گرگی عاشق است که معشوقش را فرا می‌خواند. شاید صدای زوزه ماده گرگی است که روح توله مرداهش را بدرقه می‌کند. شاید این صدای زوزه، آخرین یادگاری گرگی پیر در این جهان باشد.

شاید این صدای زوزه، ناله‌های دردناک گرگی باشد که دام آدمیان حریص، داغ زخمی جانکاه را بر تنش حک کرده است.

صدای زوزه گرگی از دوردست می‌آید و من دیگر نمی‌هراسم، اگر می‌توانستم، من نیز در

جواب او زوزه ای می‌کشیدم. شاید او از تنهایی می‌هراسد و یا شاید که گرسنه باشد.

صدای زوزه گرگ می‌آید؛ صدایی که شیطانی نیست، خشن هم نیست. این صدایی ناب از حنجره طبیعت است. از گرگ نترس. از صدایش هراسی بر دل مگیر. مگر نه این که آن چه از دل برآید، لاجرم بر دل نشیند؟ خود را به آوایش بسپار. غم و دردش را درک کن. تنهایی و گرسنگی‌اش را و در جوابش زوزه‌های سر بده؛ درون خودت، در افکارت، در احساسات و در رویایت. آن گرگ شی به خوابت خواهد آمد و از دلداری‌ات، تقدیر خواهد کرد. او نیز جزئی از طبیعت است. او کودک زیبایی طبیعت خشن است و آن چه به ارث برده، صبر و طاقت است. در شب‌های سرد کوهستان خاموش، او می‌خواند، با این که شکمش خالی است و توله‌اش با چشمانی خیس دمش را می‌جنباند. زوزه او شکوه نیست. زوزه او گریه نیست.

او صبورانه می‌خواند. می‌خواند برای خودش؛ برای هم نوعانش، برای همه موجودات.»

پس در مورد گرگ نیز می‌توان جور دیگری قضاوت کرد، موجودی سخت کوش و صبور که در سرمای طاقت فرسای کوهستان، برای توله گرسنه‌اش آواز می‌خواند تا او را به خویشتن داری دعوت کند. یک چوپان که در منطقه‌ای دورافتاده زندگی می‌کند، باید به فرزندش بیاموزد که در مقابل گرگ‌ها هوشیار باشد. او حق دارد. در آن منطقه، او و گرگ در تلاش برای کسب غذا در رقابت هستند، اما چرا باید این دیدگاه خاص را در بین کودکان شهری و روستایی که هیچ‌گاه از نزدیک گرگی را ندیده‌اند، عمومیت دهیم؟ چرا باید در کتب داستانی، اشعار و ... این چنین بی‌رحمانه قضاوت کنیم؟ سخن «سن فرانچسکو» را فراموش نکنیم: «ما در جایگاهی نیستیم که بتوانیم در مورد مخلوقات خالق یکتا، قضاوت کنیم» کودکی که ذهنش با شرارت و خونریزی گرگ بمباران شده، در بزرگسالی تحت تاثیر این آموزه‌ها؛ اگر زمانی و در شرایطی با این موجودات زیبای طبیعت روبه‌رو گردد، حتی اگر لازم نباشد، در از بین بردن آن‌ها تردید نخواهد کرد. باز هم تکرار می‌کنم: بی‌طرف و منصف باشید. به جای ترساندن کودکان از مظاهر طبیعت، بهتر است آموزه‌هایی مفید در رابطه با احترام به طبیعت و حفاظت از آن مطرح شود و یا در داستان‌های کودکان، اگر به شخصیتی منفی نیاز داریم، از انسان‌های تنبل در برابر انسان‌های زرنک، خرس کثیف در برابر خرس تمیز، خرگوش پرخور در برابر خرگوش متعادل استفاده کنیم. در این حالت، کودک در مورد یک موجود قضاوت نهایی نمی‌کند، درست است که یک خرگوش پرخور داریم، اما در مقابل یک خرگوش متعادل نیز وجود دارد. پس خرگوش بد نمی‌شود. آن چیزی که مورد نکوهش و انتقاد قرار می‌گیرد، خرگوش نیست، بلکه عادت ناپسندش پرخوری است. بی‌طرف و منصف باشید!

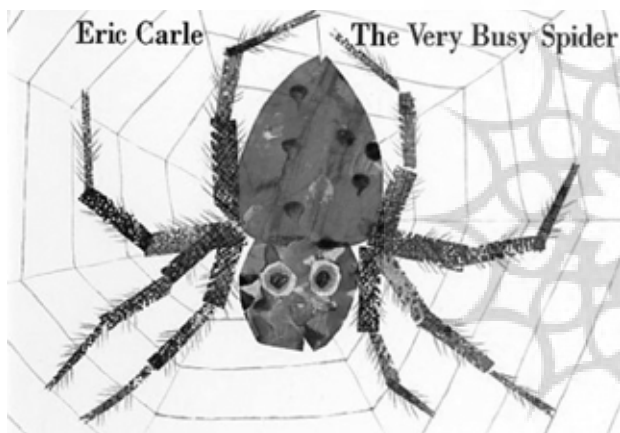


**در شایع‌ترین
بدبینی و
کج‌اندیشی،
بسیاری از
نویسندگان
ادبیات کودک،
عنکبوت را
موجودی سمی
وصف می‌کنند
که قادر است
قربانی خود را
با سمی مهلک
مسموم کرده و
از پای درآورد
که این دیدی
غیرعلمی و
نامعتبر
است**

۳ - خالقان آثار ادبیات کودکان، باید توجه داشته باشند که موجودات هم زیست، در بسیاری موارد، باید برای سهولت زندگی از مسائلی چشم پوشی کنند (یکی از اصول پایه دموکراسی). عنکبوت‌ها همزیستانی مصالحه‌جو با انسان‌ها هستند. هیچ خانه، مدرسه، اداره و یا کارخانه‌ای پیدا نمی‌کنید؛ مگر آن‌که در آن ده‌ها گونه از عنکبوتیان ساکن باشند. عنکبوت‌ها در برابر شرایط سخت بسیار مقاوم هستند و پایداری آن‌ها در برابر سموم شیمیایی پر قدرت، همواره باعث تعجب دانشمندان بوده است. عنکبوت‌ها در سراسر کره زمین حضور دارند. بسیاری از عنکبوت‌ها می‌توانند از طریق تارهای رشته‌ای بلند، همراه با جریان باد پرواز کنند و کیلومترها از محل اصلی زندگی خود دور شوند. محققان در کمال شگفتی دریافتند که بعضی عنکبوت‌ها، توسط تارهای خود پرواز می‌کنند و به ابرها می‌چسبند، در آن‌جا به دلیل دمای پایین یخ می‌زنند و تا زمان بارش ابر در این حالت باقی می‌مانند. این عنکبوت‌ها با برف و یا باران به زمین برمی‌گردند و از حالت انجماد خارج شده، زندگی را از سر می‌گیرند. در کل هر جا باشید، از دست عنکبوت‌ها راحت نخواهید بود. پس بهتر نیست به جای ترس از این هم زیست، در کنارش به راحتی زندگی کنیم.



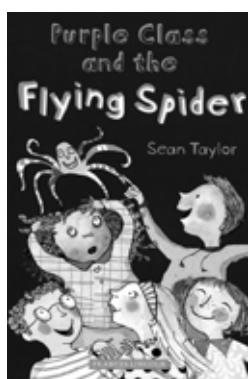
برای این هم زیستی مسالمت آمیز، نیاز به آموزش داریم و یکی از مهم‌ترین منابع آموزشی، کتب مرتبط با کودکان است که متأسفانه با سهل انگاری بعضی نویسندگان، این هدف ارزشمند از میان رفته، جای خود را به ترس و نفرت داده است. خیلی از پدیده‌ها اگر مورد بزرگنمایی قرار گیرند، ممکن است ترس آور جلوه کنند. بسیاری از تصاویر انتخاب شده عنکبوتیان برای کتب کودکان، متأسفانه دارای بزرگنمایی غیر لازم در زمینه اجزایی هم‌چون آرواره‌ها، سر و ... هستند و یا تصویرگران کتب کودکان، معمولاً عنکبوت را به صورت موجودی سیاه با آرواره‌هایی بزرگ و سم چکان، پاهایی دراز و بدشکل و ... به تصویر می‌کشند. توجه داشته باشید اگر از دماغ یا دندان‌های بسیاری از افراد از نزدیک عکس‌برداری کنیم تصویری به همان میزان ترسناک به دست خواهد آمد! حتی اگر عنکبوتیان به این اندازه نفرت‌انگیز و تهوع‌آور باشند، چون مجبور به هم زیستی با آن‌ها هستیم، می‌بایست با کمی تساهل شرایط را



برای خودمان آسان‌تر سازیم و این نیازمند برنامه ریزی و دقت در چاپ و نشر کتب مرتبط با کودکان است. به نظر من، هنگامی که مسئولان قصد صدور مجوز برای آثار کودکان دارند، بایستی از مشاوره یک روان‌شناس کارآزموده (به صورت عملی نه عنوانی) بهره بگیرند تا مشخص شود که متن و تصویر اثر، هیچ گونه تخریب روانی در پی ندارد. در مواقعی صدور مجوز، توسط افرادی صورت می‌گیرد که هیچ گونه اطلاعات دقیقی از روان‌شناسی ترس‌های بیمارگونه یا فوبیا ندارند، گو این‌که در بعضی موارد، حتی متن کتاب و یا شعر نیز خوانده نمی‌شود، یک نگاه گذرا و یک امضا، تقریباً به همان روشی که شلغم را از میوه فروشی‌ها خریداری می‌کنند!

در کشور آمریکا در دهه ۵۰ میلادی، از ۱۸۰۰۰ کودک آمارگیری شد تا بدانند آن‌ها چه حیواناتی را دوست ندارند. با بررسی نتایج مشخص شد که عنکبوت دومین موجود منفور در بین کودکان است. این آمارگیری در سال ۱۹۸۸ دوباره تکرار شد و عنکبوت بازهم مقام دوم را کسب کرد. این‌گونه بود که انجمن علاقه مندان به

عنکبوتیان در آمریکا و انگلیس، تصمیم به برگزاری نمایشگاه‌های سالانه گرفتند. در این گردهمایی‌ها پرورش‌دهندگان، عنکبوت و رطیل‌های دست آموز خود را در معرض دید عموم قرار دادند و این‌گونه ارتباط نزدیکی بین کودکان و این موجودات ایجاد کردند، بسیاری از کودکانی که از این نمایشگاه دیدن می‌کنند، با همراهی مسئولان می‌آموزند که از عنکبوت‌ها و رطیل‌ها نهراسند. آنان رطیل‌های بی‌خطر را به دست می‌گیرند و اجازه می‌دهند که این موجودات روی بدن‌شان حرکت کنند. در پایان تعدادی از این کودکان نیز به عضویت این انجمن درآمده، از والدین خود می‌خواهند که برای‌شان یک رطیل بزرگ خریداری کنند. یکی از روش‌های مداوای متخصصان در مورد کودکان عنکبوت ترس، این است که بچه رطیل کوچکی را در اختیارشان قرار می‌دهند. این بچه رطیل‌ها کوچک، چاق، دوست داشتنی و رنگارنگ‌اند و کودک در فرآیند بزرگ شدن، با علاقه‌ای که بر اثر مراقبت به آن پیدا می‌کند، کم‌کم عنکبوت ترسی را به فراموشی می‌سپارد. امیدوارم نویسندگان عزیز که به نوعی با کودکان سروکار دارند، با دقت بیشتری به خلق آثار خود بپردازند و فراموش نکنند که روزی در پیشگاه خداوند قادر بایستی پاسخ‌گوی اعمال مان باشیم.



منابع:

مقاله «ترس از عنکبوتیان»، نوشته جی - رامل

(G-RAMEL)

مقاله «نقد کتب علمی کودکان»، نوشته دکتر رابرت گیل برین

مقاله «رطیل‌ها»، نوشته دکتر ویلیام پک

مقاله‌های ارائه شده در سایت EARTH LIFE در مورد عنکبوتیان